

امامت امام کاظم علیہ السلام از منظر فریقین

رضا بازوند

مرکز حقایق اسلامی

بسم الله الرحمن الرحيم

عنوان مقاله

امامت امام کاظم علیه السلام از منظر فریقین

چکیده

امامت و وجوب معرفت و اطاعت از امام در هر زمانی مورد اتفاق فریقین است. شیعه معتقد است تعیین امام فقط به دست خداست. خداوند جانشینان بعد از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله را مشخص کرده است و تعداد آن‌ها دوازده نفر است. اولین آن‌ها امیر المومنین علیه السلام و آخرین آن‌ها مهدی موعود حجت بن الحسن عجل الله تعالی فرجه الشریف است. مقاله پیش رو درباره هفتمین امام شیعیان، امام موسی بن جعفر علیهما السلام است. ما در این نوشتار برای اثبات امامت ایشان به نصوصی که از منابع شیعه وارد شده است، استدلال کردیم. هم‌چنین به معجزات حضرت که می‌تواند جایگزین نص شود نیز استناد کردیم. اما برای اثبات امامت ایشان بر اساس مبانی اهل سنت، در ابتدا به حدیث «ائمہ اثنا عشر» و «تقلین» برای اثبات امامت ائمہ اهل بیت علیهم السلام به نحو عموم و به اقرار بزرگان اهل سنت مبنی بر افضلیت حضرت از اهل زمان خودش برای اثبات امامت ایشان به نحو خاص استدلال کردیم.

کلیدواژه‌ها امامت امام کاظم علیه السلام، امام کاظم علیه السلام، امامت، نص، معجزه، افضلیت

مقدمه

امامت و وجوب معرفت و اطاعت از امام در هر زمانی، مورد اتفاق فریقین است. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در حدیثی که به صورت متواتر در منابع معتبر شیعه و اهل سنت نقل شده و به حدیث «من مات» یا «مرگ جاهلی» شهرت یافته است، همین مطلب را مورد تاکید قرار داده و فرموده‌اند:

«من مات و لم يعرف امام زمانه مات میتة الجاهلیة»^۱

«هر کس که بمیرد در حالی که امام زمانش را نشناخته است، به مرگ جاهلی مرده است» شیعه معتقد است امام، تمام شئون و مناصب پیامبر صلی الله علیه و آله به جز نبوت را داراست و کسی است که از طرف خدای متعال منصوب شده و به وسیله پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله معرفی می‌شود و مردم در تعیین و انتخاب او هیچ اختیاری ندارند. ازین رو با توجه به ادله عقلی و نصوص متواتره، خلافت بلا فصل و امامت را برای امیرالمومنین علی علیه السلام اثبات می‌کنند و بعد از او هم به امامت یازده فرزند از نسلش قائل هستند. در نتیجه تعداد امامانی که شیعه به آنها اعتقاد دارند دوازده نفر است که مطابق با روایت رسول خدا صلی الله علیه و آله در مورد تعداد جانشینان بعد از خود است که مورد اتفاق فریقین و در منابع معتبر نقل شده است:

«حدثنا هدا بن خالد الأزدي ، حدثنا حماد بن سلمة ، عن سماك بن حرب قال: سمعت جابر بن سمره يقول: سمعت رسول الله صلى الله عليه وسلم يقول: لا يزال الإسلام عزيزا إلى اثني عشر خليفة. ثم قال كلمة لم أفهمها، فقلت لأبي : ما قال؟ فقال: كلهم من قریش»^۲ ... جابر بن سمره می‌گوید: شنیدم رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: اسلام همواره عزیز خواهد بود تا این که برسد به دوازده خلیفه. آن‌گاه سخنی فرمود که من نفهمیدم، به پدرم گفتم: چه چیزی فرمود؟ گفت فرمود: همه آنها از قریش هستند.

موضوع این مقاله امامت امام هفتم شیعیان، امام موسی بن جعفر الکاظم علیهما السلام است. ما در این نوشتار در صدد توضیحی اجمالی از شرح حال حضرت و اثبات امامت ایشان از منظر فریقین هستیم.

۱. کمال الدین و تمام النعمة: ۲ / ۴۰۹. این حدیث با کمی تفاوت در الفاظ در منابع اهل سنت نیز نقل شده است. ر. ک: مسند ابی

داود الطیالسی: ۳ / ۴۲۵؛ المعجم الکبیر: ۱۹ / ۳۸۸؛ التاریخ الکبیر: ۷ / ۵۴۴ و دیگر منابع.

۲. صحیح مسلم: ۳ / ۶

شرح حال اجمالی

امام کاظم علیه السلام در سال ۱۲۸ هجری قمری در ابواء (منطقه‌ای بین مکه و مدینه) به دنیا آمد.^۱ پدرش امام صادق علیه السلام و مادرش کنیزی به نام حمیده بربریه^۲ بود. برای ایشان چند کنیه ذکر شده که عبارتند از: ابو ابراهیم، ابو الحسن و ابو علی^۳. از القاب ایشان می‌توان از عبد صالح، نفس زکیه، زین المجتهدین، وفی، صابر، امین، زاهر، کاظم^۴ و باب الحوائج^۵ نام برد.

امام کاظم علیه السلام در سال ۱۴۸ هجری قمری و در سن ۲۰ سالگی بعد از شهادت پدر بزرگوارشان به امامت رسیدند و ۳۵ سال این امر را بر عهده داشتند^۶. دوران امامت حضرت با خلافت چهار خلیفه عباسی یعنی منصور، هادی، مهدی و هارون هم‌زمان بود^۷. ایشان چند مرتبه در زندان مهدی و هارون عباسی محبوس شدند و عاقبت در سال ۱۸۳ هجری قمری به دست سندی بن شاهک و در حالی که در زندان هارون به سر می‌بردند، مسموم شدند و به شهادت رسیدند و در بغداد دفن شدند.^۸

برای امام کاظم علیه السلام تعداد ۳۷ فرزند پسر و دختر ذکر شده است^۹ که از آن جمله، امام رضا علیه السلام (امام هشتم شیعیان و مدفون در مشهد)، حضرت فاطمه معصومه سلام الله علیها (مدفون در قم) و حضرت احمد بن موسی معروف به شاهچراغ علیه السلام (مدفون در شیراز)، می‌باشند.

نصوص امامت امام کاظم علیه السلام از منابع شیعه

همان‌گونه که قبلاً بیان شد، از دیدگاه شیعه، امام از سوی خدا تعیین می‌شود؛ پس راه شناخت امام نص است. نص به معنای بیان و تصریح پیامبر صلی الله علیه و آله یا امام قبلی بر امامت امام بعدی است. در مورد

۱. الارشاد فی معرفة حجج الله علی العباد: ۲/ ۲۱۵

۲. همان

۳. همان

۴. مناقب آل ابی طالب علیهم السلام: ۴/ ۳۲۳

۵. الصواعق المحرقة: ۲/ ۵۹۰

۶. الارشاد فی معرفة حجج الله علی العباد: ۲/ ۲۱۵

۷. مناقب آل ابی طالب علیهم السلام: ۴/ ۳۲۳

۸. همان

۹. الارشاد فی معرفة حجج الله علی العباد: ۲/ ۲۴۴

امامت امام کاظم علیه السلام نصوص متعددی در کتب معتبر آمده است که ما از باب نمونه چند مورد را ذکر می‌کنیم.

مرحوم کلینی در کتاب کافی به سندش از فیض بن مختار نقل می‌کند:

«أحمد بن مهران عن محمد بن علی عن عبد الله القلاء عن الفيض بن المختار قال: قلت لأبي عبد الله ع خذ بيدي من النار من لنا بعدك فدخل عليه أبو إبراهيم ع و هو يومئذ غلام فقال هذا صاحبكم فتمسك به»^۱

... فیض بن مختار گوید: به امام صادق علیه السلام عرضه داشتم: دست مرا از آتش بگیر، بعد از شما چه کسی برای ما می‌ماند؟ ابو ابراهیم (امام کاظم علیه السلام) بر امام وارد شد در حالی که در آن زمان کودک بود پس امام صادق علیه السلام فرمود: اینست صاحب شما پس به او تمسک جسته و از او پیروی کنید.

ابن بابویه به سندش از مفضل بن عمر نقل می‌کند:

«حدثنا علي بن أحمد بن محمد الدقاق رضى الله عنه قال حدثنا محمد بن أبي عبد الله الكوفي عن موسى بن عمران النخعي عن عمه الحسين بن يزيد النوفلي عن المفضل بن عمر قال: دخلت على سیدی جعفر بن محمد ع فقلت يا سیدی لو عهدت إلینا فی الخلف من بعدک فقال لی یا مفضل الإمام من بعدی ابنی موسی و الخلف المأمول المنتظر محمّد بن الحسن بن علی بن محمد بن علی بن موسی.»^۲

... بر آقایم جعفر بن محمد علیه السلام وارد شدم و گفتم: ای آقای من ای کاش در مورد جانشین بعد از خودتان به ما سفارش می‌کردید. پس به من فرمود: ای مفضل امام بعد از من پسر من موسی است و جانشین مورد امید و انتظار محمّد بن حسن بن علی بن محمد بن علی بن موسی است.

کلینی در روایت دیگری به سندش به نقل از اسحاق بن جعفر (برادر امام موسی بن جعفر علیهما السلام)

می‌نویسد:

۱. الکافی: ۳۰۷/۱

۲. کمال الدین و تمام النعمه: ۳۳۴/۲

«أحمد بن مهران عن محمد بن علی عن یعقوب بن جعفر الجعفری قال حدثنی إسحاق بن جعفر قال: كنت عند أبي یوما فسأله علی بن عمر بن علی فقال جعلت فداک إلی من نفع و یفزع الناس بعدک فقال إلی صاحب الثوبین الأصفرین و الغدیرتین یعنی الذؤابتین و هو الطالع علیک من هذا الباب یفتح البابین بیده جمیعاً فما لبثنا أن طلعت علینا کفان آخذةً بالبابین ففتحهما ثم دخل علینا أبو إبراهیم.»^۱

... روزی نزد پدرم بودم که علی بن عمر بن علی از ایشان سوال پرسید و گفت: فدایتان شوم، ما و مردم بعد از شما به چه کسی پناه ببریم؟ فرمود: به کسی که دو جامه زرد پوشیده و دو گیسو دارد و اکنون از این در بر تو در آید و هر دو لنگه در را با دو دست خود باز کند، چیزی نگذشت که دیدیم دو دست که دو لنگه در را گرفته و آنها را گشود، ظاهر گشت، سپس ابو ابراهیم علیه السلام بر ما وارد شد.

معجزات

یکی دیگر از طرق تشخیص امام در نزد شیعه، معجزه است که می تواند قائم مقام و جایگزین نص شود. البته فاضل مقداد معجزه را نص فعلی می داند؛ در نتیجه معجزه هم بنابراین نظر، یکی از اقسام و زیر مجموعه نص است.^۲ به هر حال، معجزه امر خارق العاده ای را گویند که مدعی نبوت یا امامت آن را انجام می دهد تا صدق ادعای خود را ثابت کند به شرط این که همراه با تحدی بوده و مردم از انجام آن عاجز باشند.

امام کاظم علیه السلام مانند دیگر ائمه اهل البیت علیهم السلام دارای معجزات فراوانی در کتب معتبره است که ما در این جا به جهت رعایت اختصار فقط یک مورد را ذکر می کنیم.

مرحوم کلینی در کافی به سندش از محمد بن فلان الواقفی نقل می کند که گفت:

من پسر عمویی داشتم که نامش حسن بن عبد الله بود، مردی بود زاهد و عابدترین مردم زمان خود. و به واسطه جدی بودن و کوشش او در امر دین سلطان از او پروا میکرد و بسا در پیش روی سلطان سخن درشت و دشواری به عنوان موعظه می گفت و او را امر به معروف و نهی

۱. الکافی: ۳۰۸ / ۱

۲. اللوامع الالهیه: ۳۳۴

از منکر می نمود سلطان هم به واسطه شایستگی و نیکوکاریش از او تحمل میکرد، حال او پیوسته چنین بود تا آن که روزی در مسجد، حضرت ابو الحسن موسی بن جعفر علیهما السلام بر او وارد شد. چون او را دید، اشاره کرد، او هم نزد حضرت آمد، امام به او فرمود: ای ابا علی! من روش تو را بسیار دوست دارم و خوشم می آید ولی تو معرفت نداری، برو و معرفت بجو، عرض کرد: قربانت، معرفت چیست؟ فرمود: برو بفهم و کسب حدیث کن. عرض کرد: از چه کسی کسب کنم؟ فرمود: از فقهاء اهل مدینه، سپس آن احادیث را بر من عرضه کن. او رفت و احادیثی را نوشته خدمت حضرت باز آمد و برایش قرائت کرد، امام همه را باطل دانست، و به او فرمود، برو معرفت یاد بگیر، آن مرد به دین خود عنایت داشت و پیوسته در انتظار استفاده از حضرت ابو الحسن علیه السلام بود تا زمانی که آن حضرت به کشتزار خود می رفت، در بین راه به حضرت برخورد و عرض کرد: قربانت، من در برابر خدا با شما احتجاج و خصومت می کنم، مرا به معرفت راهنمایی کن، حضرت گزارش حال امیر المؤمنین علیه السلام و آنچه بعد از پیغمبر صلی الله علیه و آله واقع شد و نیز گزارش امر آن دو مرد (ابو بکر و عمر) را بیان فرمود، او هم پذیرفت، سپس بحضرت عرض کرد: امام بعد از امیر المؤمنین علیه السلام کیست؟ فرمود: حسن علیه السلام سپس حسین علیه السلام تا این که منتهی به خودش شد پس سکوت کرد. عرضه کرد: قربانت گردم، پس امروز امام چه کسیست؟ فرمود: اگر به تو خبر دهم می پذیری؟ گفت: آری قربانت گردم، فرمود، منم امام، عرض کرد: چیزی می خواهم که به آن استدلال کنم، (یعنی معجزه شما چیست؟) فرمود: برو نزد آن درخت - آن گاه با دست اشاره به درخت ام غیلان کرد - و به او بگو: موسی بن جعفر به تو می گوید: بیا، گوید من نزد درخت رفتم و دیدم زمین را میشکافد و می آید تا در برابر حضرت ایستاد، سپس حضرت به او اشاره کرد، تا برگشت. او به امامتش اقرار کرد و خاموشی گزید و به عبادت پرداخت و کسی پس از آن او را ندید که سخن بگوید.^۱

۱. «علی بن ابراهیم عن ابيه عن محمد بن محمد بن فلان الواقفی قال: کان لی ابن عم یقال له - الحسن بن عبد الله کان زاهدا و کان من أعبد أهل زمانه و کان یتقیه السلطان لجدہ فی الدین و اجتہاده و ربما استقبل السلطان بکلام صعب یعظه و یأمره بالمعروف و ینہا عن المنکر و کان السلطان یحتمله لصلاحه و لم تزل هذه حالته حتی کان یوم من الأيام إذ دخل علیه أبو الحسن موسی ع و هو فی المسجد فرآه فأومأ إلیه فأتاه فقال له یا أبا علی ما أحب إلی ما أنت فیہ و أسرني إلا أنه لیست لک معرفه فاطلب المعرفة»

امامت امام کاظم علیه السلام بر اساس مبانی اهل سنت

برای اثبات امامت امام کاظم علیه السلام بر اساس مبانی اهل سنت می‌توان در ابتدا به حدیث «ائمه اثنی عشر» که در مقدمه همین نوشتار به آن اشاره شد، استدلال کرد. این حدیث را بخاری^۱، مسلم^۲ و دیگر صاحبان صحاح و سنن نقل کرده‌اند و مورد اتفاق فریقین است^۳. پیامبر صلی الله علیه و آله در این حدیث، تعداد خلفاء بعد از خود را دوازده نفر معرفی می‌کند و می‌فرماید همگی از قریش هستند. بر این اساس، مفاد این روایت تنها بر مدعای شیعه که قائل به امامت دوازده امام که اولین آن‌ها امیر المومنین علی علیه السلام و آخرین آن‌ها مهدی موعود حضرت حجت بن الحسن العسکری عجل الله تعالی فرجه الشریف است، تطابق دارد. همان‌ها که عترت پاک و مطهر حضرت رسول خدا صلی الله علیه و آله و از قریش هستند. عترتی که در حدیث متواتر (به تواتر معنوی)^۴ «ثقلین»^۵، قرین قرآن شمرده شده‌اند، هرگز از قرآن جدا نخواهند شد و متمسکین آن‌ها به همراه قرآن هرگز گمراه نخواهند شد. روشن است که این تعبیر همگی بر عصمت اهل بیت علیهم السلام و لزوم پیروی از آنان دلالت دارند و این خود دلیل دیگری بر افضلیت و امامت آن‌ها است.

قال جعلت فداک و ما المعرفة قال اذهب فتفقه و اطلب الحديث قال عمن قال عن فقهاء أهل المدينة ثم عرض علی الحديث قال فذهب فكتب ثم جاءه فقرأ علیه فأسقطه كله ثم قال له اذهب فاعرف المعرفة و كان الرجل معنيا بدینه فلم يزل يترصد أبا الحسن ع حتى خرج إلى ضيعة له فلقیه فی الطريق فقال له جعلت فداک إني أحتج عليك بين يدي الله فدلني علی المعرفة قال فأخبره بأمر المؤمنين ع و ما كان بعد رسول الله ص و أخبره بأمر الرجلين فقبل منه ثم قال له فمن كان بعد أمير المؤمنين ع قال الحسن ع ثم الحسين ع حتى انتهى إلى نفسه ثم سكت قال فقال له جعلت فداک فمن هو اليوم قال إن أخبرتك تقبل قال بلى جعلت فداک قال أنا هو قال فشيء أستدل به قال اذهب إلى تلك الشجرة و أشار بيده إلى أم غيلان فقل لها يقول لك موسى بن جعفر أقبلی قال فأتيتهما فرأيتهما و الله تخد الأرض خدا حتى وقفت بين يديه ثم أشار إليها فرجعت قال فأقر به ثم لزم الصمت و العبادة فكان لا يراه أحد يتكلم بعد ذلك. «كافي: ۳۵۲ / ۱ و ۳۵۳»

۱. صحیح بخاری: ۸۱ / ۹

۲. صحیح مسلم: ۳ / ۶

۳. جواهر الكلام فی معرفة الامامة و الامام: ۱۴ / ۱۱۰

۴. همان: ۱۹ / ۸

۵. «حدثنا علی بن المنذر الكوفي، قال: حدثنا محمد بن فضيل، قال: حدثنا الأعمش، عن عطية، عن أبي سعيد والأعمش، عن حبيب بن أبي ثابت، عن زيد بن أرقم قالوا: قال رسول الله صلى الله عليه وسلم: إني تارك فيكم ما إن تمسكتم به لن تضلوا بعدی، أحدهما أعظم من الآخر؛ كتاب الله حبل ممدود من السماء إلى الأرض، وعترتي أهل بيتي، ولن يتفرقا حتى يردا على الحوض، فانظروا كيف تخلفوني فيهما» سنن الترمذی: ۶ / ۱۲۵

تا بدین جا امامت اهل بیت علیهم السلام به نحو عام از جمله برای امام کاظم علیه السلام اثبات شد. حال به طور خاص درصدد اثبات افضلیت امام کاظم علیه السلام نسبت به مردم زمان خودش با استناد به اعتراف علماء و بزرگان اهل سنت هستیم. زیرا اگر افضلیت ایشان اثبات شود، امامتشان نیز ثابت خواهد شد؛ چون تقدیم مفضول بر فاضل عقلا و شرعا قبیح است^۱.

ابن تیمیه عالم متعصب اهل سنت در وصف امام کاظم علیه السلام قول ابو حاتم رازی درباره ایشان را نقل کرده و می‌نویسد:

«وَأَمَّا مَنْ بَعْدَ جَعْفَرِ فَمَوْسَى بْنِ جَعْفَرٍ. قَالَ فِيهِ أَبُو حَاتِمٍ الرَّازِيُّ: ثَقَّةٌ صَدُوقٌ إِمَامٌ مِنْ أئِمَّةِ الْمُسْلِمِينَ»

اما پس از جعفر، موسی بن جعفر است. ابو حاتم رازی درباره او می‌گوید: ثقه، راست‌گو و امامی از ائمه مسلمین است.

وی در جای دیگری می‌نویسد:

«وَمَوْسَى بْنُ جَعْفَرٍ مَشْهُورٌ بِالْعِبَادَةِ وَالنَّسَكِ»

موسی بن جعفر مشهور به عبادت و پرهیزگاری است.

ذهبی از دیگر علماء و رجالیون بزرگ اهل سنت در وصف امام علیه السلام می‌نویسد:

«وَقَدْ كَانَ مَوْسَى مِنْ أَجْوَادِ الْحُكَمَاءِ وَمِنْ الْعِبَادِ الْآتِقِيَاءِ.»

وله مشهد معروف ببغداد^۲

۱. اما عقلا، به این دلیل که امام یا افضل از دیگران است یا مساوی است و یا مفضول است و پایین‌تر. صورت اول که همان مطلوب است؛ صورت دوم ترجیح بدون مرجح است و صورت سوم تقدیم مفضول است بر فاضل که هر دو عقلا قبیح است. (ر.ک: کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد: ۳۶۶)

اما شرعا، با استناد به آیات و روایات است از جمله آیه «أَمْ مَنْ يَهْدِي إِلَى الْحَقِّ أَحَقُّ أَنْ يَتَّبِعَ أَمَّنْ لَا يَهْدِي إِلَّا أَنْ يَهْدِي فَمَا لَكُمْ كَيْفَ تَحْكُمُونَ» (یونس: ۳۵)

و روایت «أَخْبَرَنَا أَبُو عَبْدِ اللَّهِ الْحَافِظُ، ثنا أَبُو جَعْفَرٍ مُحَمَّدُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ الْبَغْدَادِيُّ، ثنا يَحْيَى بْنُ عُثْمَانَ بْنِ صَالِحٍ، ثنا أَبِي، ثنا ابْنُ لَهْيَعَةَ، ثنا يَزِيدُ بْنُ أَبِي حَبِيبٍ، عَنْ عِكْرَمَةَ، عَنْ ابْنِ عَبَّاسٍ، رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمَا، عَنْ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: " مَنْ اسْتَعْمَلَ عَامِلًا مِنَ الْمُسْلِمِينَ وَهُوَ يَعْلَمُ أَنْ فِيهِمْ أُولَىٰ بِذَلِكَ مِنْهُ وَأَعْلَمُ بِكِتَابِ اللَّهِ وَسُنَّةِ نَبِيِّهِ، فَقَدْ خَانَ اللَّهَ، وَرَسُولَهُ، وَجَمِيعَ الْمُسْلِمِينَ » (السنن الكبرى - البيهقي ۱۰ / ۲۰۱)

۲. میزان الاعتدال: ۴ / ۲۰۲

موسی بن جعفر از سخاوتمندترین حکماء و از عبادت کنندگان پرهیزگار بود و برای او محل دفن معروفی در بغداد وجود دارد.

وی در کتاب دیگری می‌نویسد:

«موسی کاظم... وکان صالحا، عالما، عابدا، متألها»^۱

موسی کاظم... فردی صالح، عالم، عابد و در مسیر خدا بود.

ابن حجر مکی درباره حضرت این چنین می‌نویسد:

«موسی کاظم وهو وارثه علما ومعرفةً وكمالا وفضلا سمی الكاظم لكثرة تجاوزه وحلمه وکان معروفا عند أهل العراق بباب قضاء الحوائج عند الله وکان أعبد أهل زمانه وأعلمهم وأسماهم»^۲

موسی کاظم وارث علم، معرفت، کمال و فضل از پدرش است. به دلیل حلم زیاد و گذشتش کاظم نامیده شد و نزد اهل عراق به باب الحوائج نزد خدا معروف بود و عابدترین و عالم‌ترین و بخشنده‌ترین اهل زمانش بود.

۱. تاریخ الاسلام: ۴۱۷/۱۲

۲. الصواعق المحرقة: ۵۹۰/۲

منابع

۱. القرآن الکریم
۲. الارشاد فی معرفۃ حجج اللہ علی العباد: محمد بن محمد مفید، تحقیق: مؤسسۃ آل البیت علیہم السلام، کنگرہ شیخ مفید، قم، چاپ یکم، ۱۴۱۳ هـ
۳. التاریخ الکبیر: محمد بن إسماعیل البخاری، تحقیق و دراسة: محمد بن صالح بن محمد الدباسی و مرکز شذا للبحوث بإشراف محمود بن عبد الفتاح النحال، الناشر المتمیز للطباعة والنشر والتوزيع، الرياض، چاپ یکم، ۱۴۴۰ هـ
۴. تاریخ الإسلام ووفیات المشاهیر والأعلام: شمس الدین أبو عبد الله محمد بن أحمد بن عثمان بن قایماز الذهبی، تحقیق: عمر عبد السلام التدمری، دار الكتاب العربی، بیروت، چاپ دوم، ۱۴۱۳ هـ
۵. جواهر الکلام فی معرفۃ الامامۃ و الامام: سید علی حسینی میلانی، انتشارات الحقائق - قم، چاپ یکم، ۱۳۹۸ ش.
۶. السنن الکبری، أبو بکر أحمد بن الحسین بن علی البیهقی، تحقیق: محمد عبد القادر عطا، محمد عبد القادر عطا، چاپ سوم، ۱۴۲۴ هـ
۷. صحیح البخاری: أبو عبد الله محمد بن إسماعیل بن إبراهيم بن المغیره ابن بردزبه البخاری الجعفی، تحقیق: جماعة من العلماء، السلطانیة، بالمطبعة الكبرى الأميریة، ببلاق مصر، ۱۳۱۱ هـ
۸. صحیح مسلم: أبو الحسین مسلم بن الحجاج بن مسلم القشیری النیسابوری، تحقیق: أحمد بن رفعت بن عثمان حلمی القره حصاری - محمد عزت بن عثمان الزعفران بولیوی - أبو نعمة الله محمد شکری بن حسن الأنقروی، دار الطباعة العامرة - ترکیه.
۹. الصواعق المحرقة علی أهل الرفض والضلال والزندقه: أحمد بن محمد بن علی بن حجر الهیتمی السعدی الأنصاری، تحقیق: عبد الرحمن بن عبد الله الترمذی - کامل محمد الخراط، مؤسسۃ الرسالۃ - لبنان، چاپ یکم، ۱۴۱۷ هـ
۱۰. الکافی: محمد بن یعقوب کلینی، تحقیق: علی اکبر غفاری و محمد آخوندی، دار الکتب الإسلامیة - تهران، چاپ چهارم، ۱۴۰۷ هـ

۱۱. کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد: علامه حلی، مؤسسه النشر الإسلامی - قم، چاپ چهارم، ۱۴۱۳ هـ
۱۲. کمال الدین و تمام النعمة: محمد بن علی بن بابویه، تحقیق: علی اکبر غفاری، اسلامیه، تهران، چاپ دوم، ۱۳۹۵ هـ
۱۳. اللوامع الالهية فی المباحث الكلامية: فاضل مقداد، دفتر تبلیغات اسلامی - قم، چاپ دوم، ۱۴۲۲ هـ
۱۴. مسند أبی داود الطيالسی: أبو داود الطيالسی سلیمان بن داود بن الجارود، تحقیق: الدكتور محمد بن عبد المحسن التركي، دار هجر - مصر، چاپ یکم، ۱۴۱۹ هـ
۱۵. المعجم الكبير: سلیمان بن أحمد بن أيوب بن مطير اللخمي الشامي، أبو القاسم الطبراني، تحقیق: حمدي بن عبد المجيد السلفي، مكتبة ابن تيمية - القاهرة، چاپ دوم.
۱۶. مناقب آل ابی طالب عليهم السلام: محمد بن علی ابن شهر آشوب مازندرانی، موسسه انتشارات علامه، قم، چاپ یکم، ۱۳۷۹ هـ
۱۷. منهاج السنة النبوية: تقی الدین أبو العباس أحمد بن عبد الحليم بن عبد السلام بن عبد الله بن أبي القاسم بن محمد ابن تيمية الحراني الحنبلي الدمشقي، تحقیق: محمد رشاد سالم، جامعة الإمام محمد بن سعود الإسلامية، چاپ یکم، ۱۴۰۶ هـ
۱۸. میزان الاعتدال فی نقد الرجال: شمس الدین أبو عبد الله محمد بن أحمد بن عثمان بن قایماز الذهبي، تحقیق: علی محمد البجاوی، دار المعرفة للطباعة والنشر، بیروت - لبنان، چاپ یکم، ۱۳۸۲ هـ